

ابهام‌زدایی از سهم نیروی کار در هزینه تولید

سهم نیروی کار در هزینه‌های تولید، سهمی غیرمتناسب با اهمیت و جایگاه این عامل تولید است. برای عبور از شرایط فعلی در حوزه عقب‌ماندگی‌های مزدی، باید یک گفت‌وگوی اجتماعی و ملی راه بیفتد و برای تداوم رشد تولید و بازتولید نیروی کار، باید از این وضعیت رها شویم. برای بررسی حداقل دستمزد، باید در وهله اول به این مسئله توجه کنیم که این مفهوم، چه کارکردی در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی دارد؛ اگر به این کارکرد توجه نشود، همچنان در وضعیت فعلی خواهیم ماند. وضعیت موجود، یعنی تعیین حداقل مزدی که کفاف زندگی بخور و نمیر را هم نمی‌دهد، نمی‌تواند تضمین‌کننده کارکردهای بازتولید نیروی کار در اقتصاد باشد. باید توجه داشته باشیم که کارکرد اقتصادی حداقل دستمزد، درواقع پوشش حداقل نیازی است که به بازتولید نیروی کار منجر شود. حداقل هزینه هر کدام از عوامل دیگر تولید هم همین کارکرد را دارد. البته نه اینکه بخواهیم نیروی کار را به تعاریف خاص تقلیل بدهیم ولی در نگاه اقتصاد کلاسیک، باید این حداقل‌ها پرداخت شود تا عوامل تولید، بازتولید شوند. برای بازتولیدشدن نیروی کار، پوشش حداقلی – که فقط به زنده‌ماندن فرد منجر شود – پذیرفته‌شده نیست. بحث مهم بازتولید این عامل، در میان مدت و بلندمدت، در میان است. در این تعریف، نیروی کار باید به یک استانداردهای حداقلی در زندگی دست پیدا کند و از نظر اجتماعی هم بتواند جامعه را پیش ببرد. توجه به این مسائل، به تولید و به تبع آن، توسعه کشور کمک می‌کند. نیروی کار، یکی از مهم‌ترین عوامل تولید است. وقتی حداقل دستمزد به صورت متناسب تعیین شود، این عامل با کارایی بهتر، بهره‌وری بالاتر و دغدغه کمتر کار می‌کند و در پس این اتفاق، شاهد رونق و رشد تولید هم خواهیم بود و برعکس این گزاره هم قاعداً صادق است. از سوی دیگر، مسئله

مهم دیگری که باید موردتوجه قرار بگیرد، سهم نیروی کار از ارزش افزوده و هزینه‌شده تولید است. این را می‌توان در مقایسه سال‌های ۹۰ تا ۹۱ متوجه شد. درحال حاضر، سهم نیروی کار، نسبت به آن سال‌ها به نصف تقلیل پیدا کرده است؛ چرا که در این سال‌ها سهم بقیه عوامل تولید، با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و گران‌شدن انرژی و... به شدت افزایش پیدا کرد و سهم نیروی کار، به شدت کم شد. بر اساس برآوردهای انجام‌شده، متوسط سهم نیروی کار از ارزش‌افزوده و هزینه‌تولید در ایران، حدود ۸ تا ۱۲ درصد است. وقتی به نقش افزایش این سهم در افزایش سرعت حرکت توسعه، رشد اقتصادی، پایداری تولید و... در اقتصاد کشور توجه نمی‌شود، طبیعتاً اثر منفی آن، روی فرآیند اقتصادی به جا می‌ماند و باعث می‌شود که تولید کشور درجا بزند. متأسفانه به نظر می‌رسد تحرک کارفرمایان برای جلوگیری از افزایش سهم نیروی کار در هزینه تمام‌شده، بیشتر از کنترل اثر سایر عوامل تولید است. این درحالی است که در مقابل این چانه‌زنی‌ها، باید به این سوال پاسخ داده شود که نیروی کار، چه سهمی از هزینه تولید دارد؟ باید یک‌بار برای همیشه، یک سال پایه درنظر گرفته شود و این سهم، در مقایسه با آن سال پایه، بررسی و برای افزایش آن و کاهش اثر سایر عوامل تولید، برنامه‌ریزی شود. کارفرمایان هم خودشان واقف‌اند که نیروی کار، سهمی آنچنانی در هزینه‌تولید ندارد اما این را هم می‌دانند که ابزار لازم برای فشار بر کاهش سهم سایر عوامل –از جمله انرژی و سرمایه– را ندارند؛ در نتیجه، تمرکز چانه‌زنی‌های خود را روی دستمزد نیروی کار گذاشته‌اند. برای نمونه دولت، در یک مقطع زمانی برخی یارانه‌ها را حذف کرد و قیمت برق، چندبرابر شد و کارفرمایان، این پول را پرداخت کردند و کسی هم اعتراض نکرد. ولی دستمزد در آن دوره، به تناسب این هزینه‌ها، با توجه مهار هزینه‌های تولید، رشد نکرد. اینکه دولت‌ها چنانکه باید و شاید از تولید داخلی حمایت نکرده‌اند و کالاهای وارداتی با قیمت کمتر وارد می‌شود یا سهم تولید از یارانه‌ها پرداخت نمی‌شود و عوامل متعدد دیگر، در اقتصاد ما یک واقعیت است اما سوال این است که آیا تاوان این موارد را باید نیروی کار بدهد؟

کارشناس تأمین اجتماعی

ترمیم حقوق کارگران، در کنار افزایش سایر سطوح مزدی

رئیس کانون شورای اسلامی کار خراسان شمالی معتقد است که افزایش حقوق کارگران، نه تنها تورم‌زا نیست، بلکه در کلان اقتصاد کشور نیز موثر است. داوود امیری گفت: «دولت، در دستمزد سال آینده کارگران، باید شیوه‌ای را به کارگیرد که در کنار درصد ثابت افزایش مزد، تغییر قابل توجهی در سایر سطوح مزدی ایجاد شود.» وی درباره احتمال افزایش پلکانی حقوق کارگران برای سال آینده، گفت: «نظر من این است که شورای عالی کار، می‌تواند مبنای افزایش حداقل مزد کارگران را روی ۱۰ درصد بگذارد ولی دستمزهای پایین‌را ۱۵ تا ۱۸ درصد افزایش بدهد یعنی افزایش آخر را به ۱۰ درصد برساند و حقوق‌های پایین‌تر را با درصدهای بیشتری افزایش دهد.»

۰۴ | کتینه نو



انباشت عقب‌ماندگی‌های مزدی در سال‌های گذشته و تنگناهای اقتصاد کشور، دوما‌ن‌ع اصلی واقعی شدن دستمزدهاست

معادله سخت دستمز د

برای حمایت از بخش خصوصی، تدابیری ویژه در نظر بگیرد.»

■ نوسانات و افزایش هزینه سبد معیشت

از سوی دیگر، نوسانات شدید در بازارها، از جمله آنچه در ماه‌ها اخیر در بازار ارز شاهد بودیم، باعث شده فروشندگان، فروش محصولات را به تأخیر بیندازند و درحالی که قدرت خرید مردم، به حدی پایین آمده که تقاضای موثر در بازار کاهش پیدا کرده است، اما در این مقاطع مشاهده می‌شود که عرضه هم کاهش پیدا کرده و خود این مسئله، سطح عمومی قیمت‌ها را باز هم بالا می‌برد. همین مسئله، سبب برهم‌خوردن نظام عرضه و تقاضا و خروج از تعادل شده و به افزایش فاصله طبقاتی دامن زده است. در این شرایط، باید مجموعه‌ای از سیاست‌های پولی و مالی، به رفع این مشکل کمک کند. به باور کارشناسان، برای فائق آمدن بر مشکلات معیشتی، چاره‌ای جز کنترل سیل نقدینگی روانه‌شده به سمت بازارهای ارز و طلا و هدایت آن به سمت بخش‌های مولد، نیست. احمد میرمطهری، کارشناس اقتصادی، در این باره معتقد است: «نقش حیاتی سیستم بانکی در این زمینه نیز غیرقابل انکار است. چه اینکه این بخش از نظام اقتصادی کشور، می‌تواند با استمهال بدهی بخش‌های صنعتی و هدایت نقدینگی به این سمت، زمینه‌های حیات مجدد تولیدات در کشور را فراهم کند. در بخش سیاست‌های مالی نیز انتشار اوراق مشارکت با نرخ سود و قدرت نقدشوندگی بالا و نیز بخشودگی‌های مالیاتی، توصیه می‌شود. بدیهی است که هریک از این سیاست‌ها، مشکلات و تبعاتی منفی به دنبال دارند. افزایش نرخ سود بانکی، متقاضیان تسهیلات را به زحمت می‌اندازد، اوراق مشارکت، تعهدات دولت را افزایش می‌دهد و بخشودگی‌های مالیاتی، منجر به کاهش بخشی از درآمدهای دولت می‌شود.» کارشناسان اقتصادی بر این باورند که مشکل مسکن هم به عنوان یکی از مشکلات مهم اقتصادی، هم معیشت مردم را دچار مشکل کرده و طولانی‌شدن رکود در این بخش، باعث کاهش توان اشتغال‌زایی در اقتصاد ایران شده است. بنابراین برای کاهش مشکلات معیشتی و اشتغال، باید این صنعت در مدار درست خود قرار بگیرد.

■ کارآمدکردن توزیع یارانه‌ها فراموش نشود!

وقتی در سال ۱۳۸۹ یارانه‌ها توزیع شد، یارانه‌ای که دهک‌های کم‌درآمد جامعه دریافت می‌کردند، درصد قابل توجهی از درآمد آنها را تشکیل می‌داد و به همین دلیل، در سال ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ ضریب جینی اصلاح شد، اما وقتی اقتصاد ایران در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تورم‌های ۳۰ درصد به بالا را تجربه کرد، آثار این توزیع درآمد، خنثی شد و مجدداً ضریب جینی افزایش پیدا کرد. اقتصاددانان، دلیل افزایش ضریب جینی در سال‌های اخیر را تورم سنگینی می‌دانند که کشور تجربه کرد. به این ترتیب که با افزایش ثباتن درآمد خانوار تومسان با افزایش قیمت‌ها، از قدرت خرید خانوار کاسته و سبد هزینه خانوار، منقبض شد. یکی از اقداماتی

که می‌توان در کوتاهمدت برای افزایش برابری اقتصادی در ایران پیشنهاد کرد، اصلاح شیوه کنونی پرداخت یارانه‌های نقدی است. این شیوه، به باور کارشناسان، بدترین نوع توزیع یارانه‌ها است. اصلاح شیوه فعلی پرداخت یارانه‌ها، می‌تواند به عنوان یک راهکار مهم برای کاهش ضریب جینی، موردتوجه تصمیم‌گیران باشد. با قطع یارانه غیرنیازمندان و طبقات ثروتمند و از سوی دیگر، با افزایش یارانه اقشار نیازمندتر، از جمله تحت‌پوششان بهزیستی یا کمیته امداد امام (ره) و مهم‌تر از همه، پرداخت سهم مناسب از منابع حاصل به بخش‌های تولیدی، می‌توان به سمت افزایش برابری اقتصادی حرکت کرد. البته این فقط یکی از اقداماتی است که باید در دستورکار قرار بگیرد؛ کارشناسان اقتصادی بر این باورند که پایان‌دادن به روال سرکوب دستمزدی کارگران هم باید به موازات این اقدام، در دستورکار قرار بگیرد تا همزمان با افزایش قدرت خرید اقشار ضعیف، شاهد کاهش ضریب جینی و افزایش نرخ برابری اقتصادی در ایران باشیم.

عقب‌افتادگی دستمزد کارگران در سال‌های گذشته، نسبت به نرخ‌های تورم سالانه، باعث شده تا فاصله به وجود آمده بین دستمزد و حداقل معیشت، بر روی هم انباشته شده و این عقب‌افتادگی، به بیش از ۶۰ درصد برسد. به گفته آنها، شکاف‌هایی که از سال ۸۵ در دستمزدها ایجاد شده، باعث عقب‌افتادگی دستمزد کارگران شده است و اگر از آن سال‌ها شکاف‌های به وجود آمده نسبت به تورم لحاظ می‌شد، اکنون با انباشت عقب‌افتادگی در دستمزدها مواجه نبودیم. براساس این ارزیابی‌ها، ۱۷ درصد از عقب‌افتادگی دستمزدها از زمان دولت هشتم، و مابقی هم از زمان دولت نهم و دهم باقی مانده است و اگرچه در سه سال گذشته دولت یازدهم هر سال چند درصدی بیشتر از نرخ تورم دستمزد را افزایش داد اما این رویکرد نیز باعث کاهش این شکاف نشد و امروز دستمزدها چیزی در حدود ۶۰ درصد، نسبت به هزینه معیشت کارگران، عقب‌تر است.

■ بی‌توجهی به تولید، ریشه عقب‌ماندگی‌های مزدی

محمدقلی یوسفی، استاد اقتصاد دانشگاه علامه طباطبائی، در این باره با بیان اینکه از مهم‌ترین مسائلی که باعث تضعیف وضعیت اشتغال‌زایی در کشور شده، بی‌توجهی به رفع مشکلات اساسی در بخش صنعت و کشاورزی است، می‌گوید: «این بخش‌های مولد اقتصادی، در سال‌های اخیر با مشکلات عدیده‌ای دست به گریبان بوده‌اند که مهم‌ترین آن، عدم دستیابی‌شان به منابع مالی ارزان‌قیمت بوده است. یکی از مسائل مهم برای جبران عقب‌ماندگی مزدی، توجه به تقویت بنیه‌های تولیدی است. در سال‌هایی که اقتصاد کشور دچار عارضه رکود تورمی شده بود، بخش‌های مولدی که توان ایجاد اشتغال پایدار در اقتصاد را داشتند، به شدت تضعیف شدند و باید برای جبران این وضعیت، بودجه‌های ویژه در نظر گرفته می‌شد که این اتفاق را شاهد نبودیم.»

هرچند معیشت مردم، خصوصاً معیشت اقشار آسیب‌پذیر، از عوامل مهمی سرچشمه می‌گیرد، اما یکی از مهم‌ترین اقشاری که از این نظر در تنگنا قرار دارند، خانوارهای کارگری هستند که قدرت خریدشان در این سال‌ها به دلیل بی‌توجهی راهکارهای بهبود سطح معیشتی مردم، برقراری نظام مزدی عادلانه و منطقی است، نظام تعیین دستمزد در کشور باید دگرگون شود و ضمن اینکه کارفرماها نقش بیشتری در تأمین هزینه‌های کارگران برعهده می‌گیرند، دولت هم باید وارد این ماجرا شود و بخشی از هزینه‌ها را –از جمله هزینه مسکن، آموزش، تغذیه و سلامت– بر عهده بگیرد. اگر مسئولان،

واقعاً نگران معیشت مردم هستند، باید

به این مسئله به صورت جدی توجه کنند.

■ بهبود فضای کسب‌وکار و افزایش توان کارفرمایان

محمدرضا نجفی، نماینده مردم تهران در مجلس، با تأکید بر ضرورت بهبود شرایط کسب‌وکار در جهت ارتقای شرایط زندگی کارگران، به آئینه‌نوی می‌گوید: «بدون بهبود فضای کار، نمی‌توان دستمزد کارگران را به شکلی عادلانه افزایش داد.» نجفی،

درخصوص افزایش حقوق و دستمزد کارگران در سال ۹۷، می‌گوید: «افزایش دستمزد کارگران، باید در کنار امنیت‌پایدار کاری آنها دیده شود، اگر این دو موضوع، از هم جدا دیده شوند، ممکن است همین کف درآمدی و اشتغال موجود نیز از دست برود؛ بنابراین باید حالت مطلوب را برای این موارد درنظر گرفت.» وی، با تأکید بر اینکه کف دریافتی حقوق کارگران، جوازگوی هزینه‌های حداقلی یک زندگی نیست، افزود: «اما باید از طرفی به این نکته هم توجه کرد که اگر هزینه‌ای فراتر به پنگاه‌ها و کارخانه‌ها تحمیل شود، به طور حتم بقا و ادامه حیات پنگاه‌های تولیدی –که محل معیشت حداقلی همین نیروی کار است– نیز از بین خواهد رفت.» حمید حاج‌اسماعیلی، فعال بازارکار معتقد است: «نمی‌توان برای تعیین دستمزد، یک‌طرفه قضیه را بررسی کرد. باید توان کارفرمایان را هم برای پرداخت هزینه‌های بیشتر سنجید. آمارد عین حال، این موضوع نباید باعث اجحاف به حقوق کارگر شود. بر این اساس، تنها زمانی می‌توان امید بهبود داشت که دولت



از زمان سر کار آمدن دولت یازدهم، افزایش مزد همواره بیشتر از نرخ تورم بوده و در مقابل، تورم تجمعی در ۴۵ در صدی در چهار سال گذشته، مزد رشد ۷۵ درصدی را تجربه کرده.

صفر نزدیک‌تر باشد، نشان‌دهنده توزیع برابرتر ثروت و کاهش نابرابری اقتصادی در یک کشور است. درحال حاضر، بر اساس آخرین آمارها، ضریب جینی در حدود ۰/۳۹ است. این عدد، نشان دهنده وضعیت نه‌چندان مطلوب اقتصاد ایران در مورد شاخص برابری اقتصادی است. در برنامه ششم توسعه، هدفگذاری برای کاهش این رقم به ۰/۳۴ انجام شده، اما از نظر کارشناسان، موانع زیادی بر سر راه دستیابی به این هدف، وجود دارد. به اعتقاد کارشناسان اقتصادی و ناظران اجتماعی، یکی از ضرورت‌های اساسی کشور درحال حاضر، کاهش ضریب جینی است که باید در برنامه‌های توسعه‌ای هم به صورت

ویژه به این مسئله توجه شود. درحال

حاضر، به دلایل مختلف، نابرابری اقتصادی حتی بیشتر از رقم واقعی آن از سوی جامعه احساس می‌شود. از این منظر، یکی از اقدامات مهم دولت باید شفاف‌سازی این موضوع برای بهبود میزان «احساس نابرابری اقتصادی» در جامعه باشد. یکی از مهم‌ترین آثار و پیامدهای افزایش ضریب جینی در جامعه، کاهش انگیزه در نیروهای مولد است.

■ عقب‌افتادگی دستمزدها از کجا آمده است؟

بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، در تعیین حداقل دستمزد، دو فاکتور تورم و معیشت باید موردتوجه قرار گیرد، اما در سال‌های گذشته، نرخ‌های دستمزد بدون توجه به هزینه معیشت زندگی کارگران و بر اساس چانه‌زنی تعیین شده است. در زمان تعیین دستمزد سال ۹۶ با وجود اینکه نمایندگان جامعه کارگری، در جلسات‌شان با نمایندگان کارفرمایی، همواره تأکید داشتند که باید حداقل دستمزد کارگران، با توجه به تورم‌های انباشته شده، بین دو میلیون و ۸۰۰ هزار تومان تا ۳ میلیون تومان تعیین شود، اما در نهایت، آنچه برای سال ۹۶ مصوب شد، اختلاف فاحشی با این رقم داشت، به طوری که حداقل دستمزد سال ۹۶۵ با افزایش ۱۴ درصدی حدود ۹۳۰ هزار تومان تعیین و تصویب شد. امسال نیز برای تعیین حداقل دستمزد، بحث‌های مختلفی در جریان است. بخشی از جامعه کارگری بر این باور است که

• منصور اولی • روزنامه‌نگار •

در ماه پایانی سال، در کنار همه جنب‌وجوش‌هایی که در حوزه‌های مختلف –از اقتصاد خرد گرفته تا کلان‌ترین مسائل– شاهدیم، یک مسئله تکراری اما مهم هم چشم بیش از ۱۱ میلیون خانوار را به خود «نگران» می‌کند و آن هم تصمیمی است که خبر آن، معمولاً نیمه‌های شب یکی از واپسین روزهای سال اعلام می‌شود. ذهن‌تان جای دور نرود؛ منظور خبر اعلام نرخ افزایش مزد و تعیین حداقل دستمزد کارگران، برای سال بعد است. امسال، روال همان روال سابق است. جلسات شروع شده و نماینده‌های کارگری و کارفرمایی، درحال چانه‌زنی هستند. ظاهراً یک تفاوت اساسی را امسال شاهد خواهیم بود و آن هم اینکه به جای افزایش بن و حق مسکن و... تمرکز بر افزایش نرخ پایه دستمزد است. به باور کارشناسان اقتصادی، تعیین دستمزد در کشور، در تله «عقب‌ماندگی مزدی» ناشی از «سرکوب مزمن دستمزد» در یک دوره خاص گیر افتاده است و تورم‌های کم‌رشدن سال‌های ۸۹

تا ۹۲ و افزایش پیدا نکردن نرخ حداقل مزد به اندازه تورم، این وضعیت را پیچیده کرده است؛ به طوری که با وجود آنکه از زمان سرکار آمدن دولت یازدهم، افزایش مزد همواره بیشتر از نرخ تورم بوده و در مقابل، تورم تجمعی در ۴۵ درصدی در چهار سال گذشته، مزد رشد ۷۵ درصدی را تجربه کرده، اما این مشکلات مزمن باعث شده که اثرات این اقدامات، خود را در سرفه کارگران به نحو ملموس نشان ندهد.

■ نابرابری اقتصاد و فشار بر طبقات ضعیف

نابرابری اقتصادی یا نابرابری توزیع درآمدی در جامعه، که در علم اقتصاد، آن را با «ضریب جینی» اندازه می‌گیرند، یکی از مشکلات مزمن ساختاری اقتصادی ایران است و می‌توان کاهش قدرت کارگران را هم با استناد به آن بررسی کرد. در کشورهایی که وابستگی بیشتری به درآمدهای تک‌محصولی مانند نفت دارند، این وضعیت معمولاً بدتر است. ضریب جینی، عددی بین صفر و یک است و هرچه قدر میزان آن، به



یکشنبه ● ۲۹ بهمن ۱۳۹۶ ● شماره صد و چهل‌ودو

A T I V E H N O